

امام حسین (ع):

هر کس لباس شہرت و انگشت‌نما از هر جهت ببوشد، خداوند او را در روز قیامت لباسی از آتش می‌پوشاند.



سخن‌روز



نگاره



طراح: رضا بدرالسماء

فضای مجازی

نذر محسن چاوشی

محسن چاوشی قطعه «آواز خون» را سال قبل نذر محرم کرده بود و در قامت یک ادای دین شخصی به عشاق امام حسین (ع) تقدیم کرد. بخش‌هایی از این ترانه در محرم امسال در شبکه‌های اجتماعی در حال دست به دست شدن است. خود چاوشی نیز بخش‌هایی از این ترانه را بازنشر کرده است. هنرمندان بسیاری از جمله مصطفی راعب با کامنت «یا حسین (ع)» به این پست واکنش نشان داده‌اند.

عشق علیه السلام

فرزین محدث، بازیگر سینما و تئاتر و تلویزیون نیز به مناسبت فرارسیدن ماه محرم (ع) نماهنگی منتشر کرده با تصاویری از حسینیه سادات اخوی و خوانش وحید آقاپور، مریم داندند فرد و فرزین محدث. او در ابتدای این پست اینستاگرامی این دیالوگ معروف فیلم «روز واقعه» را نوشته: «تمام حجت مسلمانی من حسین بن علی است» و در ادامه آورده است: «قراری گذاشته شد و یاران جمع شدند تا قرار به سرانجام برسد. باشد تا کنار هم قرار بگیریم، آرام بگیریم و قلب‌هایمان در این روزها و شب‌ها فارغ از هر نگاهی به انسانی وصل شود که او اگر بگویم پدر ایمان است بی‌راه نیست؛ انسانی که تمام هستی‌اش را در راه معشوق ازلی فدا کرد و قربانی داد. عشق (علیه السلام) شد این قرار که از روز اول محرم آغاز می‌شود تا روز واقعه.»

هر هیأت، آزادی یک زندانی

هر سال با آغاز ماه محرم، مستولان ستاد دیه و گروه‌های مردمی شرایطی را فراهم می‌کنند تا اگر کسی نذری داشت یا می‌خواست کار خیری انجام بدهد، آزادی زندانیان را در اولویت قرار دهد. امسال هم ستاد دیه استان یزد پویش نذر حسینی با عنوان «هر هیأت، آزادی یک زندانی» را برای پنجمین سال متوالی در این استان اجرا می‌کند. این پویش با هدف فرهنگسازی در زمینه بخشش و گذشت با شعار «به عشق حسین (ع) می‌بخشم» و همین‌طور کمک به آزادی زندانیان جرایم غیرعمد در استان یزد از اول تا پایان ماه محرم اجرا خواهد شد. خبر خوب اینکه تاکنون بسیاری از مستولان، مداحان، ورزشکاران و هنرمندان به این پویش پیوسته‌اند تا با همت هیأت‌های حسینی و اهالی حسینیه ایران، زمینه آزادی مددجویانی را از زندان فراهم کنند که به دلیل جرایم غیرعمد و محکومیت‌های مالی در زندان‌های استان به‌سر می‌برند. این پویش فقط ویژه استان یزد نیست و در بسیاری از استان‌های دیگر نیز اجرا می‌شود.

دهه تحول است

صفحه مجازی مرحوم آیت‌الله فاطمی نیا به دهه محرم اشاره کرده و در این باره نوشته: «بزرگان به ده شب عاشورا چشم می‌دوختند تا چیزی بگیرند. ما هم باید با اخلاص و توجه کاسه خود را پر کنیم. طوری عمل کنیم که دعاهایمان در این دهه مستجاب شود. دهه محرم دهه تحول است. جناب حرّ که متحول شد یک شخص بود اما حرّ بودن یک جریان است. اگر می‌خواهی متحول شوی، دهه محرم دهه تحول است.» علی قمصری با انتشار تصویری از استاد حسین علیزاده در صفحه اینستاگرامش، از بازگشت این هنرمند برجسته به صحنه موسیقی خبر داده است و در این باره نوشته: «بهترین خبر امسال برای من بدون شک بازگشت استاد علیزاده بزرگ به صحنه است. توراوری استاد از نوامبر آغاز خواهد شد. آرزوی سلامتی و سربلندی برای ایشان و چه زیبا که خبر اجرای ایشان را در صفحه استاد کلهر دیدم.»

عشق بدون شرط

مهران غفوریان بازیگر سینما و تلویزیون با انتشار چند استوری، از ماه محرم و سالار شهیدان نوشته است: «من همیشه تنهایم یا امام حسین. من که ۸۰ میلیون نفر می‌شناسم، تنهایم. یا امام حسین من مونو تنها می‌گذار. فقط تو دوستم داشته باش یا امام حسین. تو عشقی تو امام حسین من هستی. عشق بدون شرط. عشق بدون منت. عشق واقعی. عشق دلی. چون تو امام حسین قلبی یا امام حسین هوای دلم را داشته باش.»



ضرب المثل



نه تنها شعرا و ادبا و فقها و... تحت تأثیر قرآن بوده‌اند و از آیات وحی الهام‌گیری کرده‌اند، بلکه وحی در کلمات و جملات مردم کوچه و بازار نیز نفوذ کرده و برای گفتن ضرب‌المثل‌ها نیز از آیات قرآن الهام گرفته‌اند.

به عنوان مثال در سوره نجم، آیه ۳۹ آمده است:

«وَأَنْ لَّیْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ» «و انسان را نیست جز آنچه کوشش کند.» یعنی به جز از کشته خویش ن‌دزوی. این آیه مصداق یکی از قصاید حضرت سعدی است: «نا برده رنج کنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.»

صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

سرپرست مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:
احسان صالحی

سرمدبر:

حسام‌الدین برومند

نقل قول

افتخار می‌کنم بچه هیأتی هستم

من در شهر کاشان به دنیا آمدم. در این شهر هیأت‌های عزاداری امام حسین (ع) بسیار رونق دارد. در شهر من کاشان هر کسی را با نام هیأتی که می‌رود می‌شناسند و شروع خوانندگی من با تعزیه خوانی بوده است. باید بگویم اولین تصاویر من از زندگی و از اجتماعی شدن در همین هیأت‌ها شکل گرفته و از دیدن مردم کنار یکدیگر و همچنین تماشای زیبایی‌های زندگی در هیأت‌های شهر و محله‌مان بوده است. اولین نغمه‌هایی که به گوشم رسید و در جان من نشست، در همین هیأت‌ها بوده که شنیدم. همچنین اولین خاطره‌های خوبم مربوط به شهرم و آدم‌هایی است که در این هیأت‌ها بوده‌اند. به همین خاطر خودم را یک بچه هیأتی می‌دانم و به آن افتخار می‌کنم. هرگاه ماه محرم فرا می‌رسد، با توجه به کاشانی بودنم به شهرم سفر می‌کنم و در مراسم عزاداری آنجا شرکت دارم. بخصوص ایام عاشورا و تاسوعا. اگر نرویم حالمان خوب نیست.

بخشی از صحبت‌های محمد معتمدی در برنامه تلویزیونی مهلا

یادداشت

چرا موسیقی؟ (۲)

حاضر است. هر گاه صوتی بشنوی، یعنی موضوع (موجود) نزد تو حاضر است. با وجودی حاضر مرتبطی. با صوت، حاجت مواجهه و مرابطه مرتفع می‌شود ولی با تصویر نه! صوت، مکمل تصویر است. تصویر، بی‌آن ناقص است. هم نقص در وجود و هم نقص در حضور. صوت، بدون تصویر، قانع‌کننده است ولی تصویر بدون صوت، چنان نیست از آن جهت که بشر با مکالمه به مفاهمی می‌آید، صوت وجه قانع‌کننده ارتباط و حضور است، ولی تصویر، تفاهم نمی‌آورد اگرچه جذاب است. با صوت، اقناع صورت می‌گیرد، حتی اگر نامفهوم باشند، زیرا تومی قهقی که آن صدا برایت نامفهوم است و به این قانع می‌شوی ولی با تصویر، اقناع صورت نمی‌گیرد، زیرا فهم ناقصی از آن دریافت می‌کنی. صوت می‌تواند جایگزین تصویر شود ولی تصویر نمی‌تواند جایگزین صوت شود. از همین روی است که تلویزیون و سینما نتوانسته‌اند رادیو را اخراج کنند، در حالی که پیش از آنها رادیو بوده و هنوز هست و بودنش، مقرون به اقناع و باورپذیری است. پس صوت، جایگزین تصویر است و از این روی است که موسیقی اهمیت می‌یابد. موسیقی، حاصل تصویر است. تصویر، کنکاشی برای افهام و تفهیم است. ولی موسیقی، القای احساس است و احساس، همان نتیجه است که تصویر برایش کنکاش می‌کند. موسیقی، القای احساس است. فهم آن را، القای نمی‌کند. خودش را القا می‌کند. در تصویر، تو تلاش می‌کنی به فهمی برسی. بفهمی که موضوع و محمول چیست و آن‌گاه احساسی راجع به آن پیدا کنی. ولی صوت، بی‌زحمت موضوع و محمول، خود احساس را به تو القا و منتقل می‌کند. با صوت، تو آن را احساس می‌کنی و احساس آن را دریافت می‌کنی. پس اگر چنین است، صوت بدون وقایع تراژیک، غمگین می‌کند، زیرا بی‌مقدمه وقوع، احساس آن را که نتیجه واقعه است، منتقل می‌کند. همچنین است سایر احساسات و موضوعات. تصویر، خبر است. صوت، خبر از خبر است، ولی موسیقی، خود خبر است. اگر شما تصویری می‌بینی، خبری، (اطلاعی) دریافت می‌کنی. اگر راجع به آن می‌شنوید، خبری از آن خبر دریافت می‌کنید. یعنی اطلاعاتی از آن اطلاع، نصیبت می‌شود، ولی اگر موسیقی می‌شنوید، خود خبر نذرت حاضر می‌شود. چرا؟ خبر، اطلاع از حادثه است. در پس حادثه، احساسی ایجاد می‌شود. در پس خبر از حادثه هم ممکن است احساسی ایجاد شود. قطعیتش به مانند مشاهده حادثه نیست. گاهی خود تصویر هم قطعیت ایجاد احساس ندارد، مانند بسیاری از تصاویری که روزمره مشاهده می‌کنیم و احساسی به آنها نداریم ولی موسیقی، صوتی است که احساس در ما ایجاد می‌کند.

نما

«زخم کاری»: شمت راستی

ولیاام شکسپیر نویسنده انگلیسی، در عصری زندگی می‌کرد که انتظار جامعه از ادبیات، ارائه یک بیان وزین بود. در واقع نوشته‌هایی که ارزش‌ها و ذائقه‌های یک طبقه خاص را مجسم می‌کرد و تجسم بخشیدن به ارزش‌های اجتماعی را تسریع می‌بخشید، در دایره ادبیات، می‌گنجید. تفکر او، محصول جنگ‌های موسوم به یکصدساله میان انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها، و بعد از آن، تغییرات دائمی شاهان انگلیس و خیانت و برآمدن سلاطین تازه بود. این جنگ‌ها، سبب شد تا هویت اجتماعی و جغرافیایی انگلیسی‌ها و البته فرانسوی‌ها شکل بگیرد و استحکام یابد. الیزابت یکم، گرچه یک زن بود، اما توانست حکمرانی موفق‌ی را در طول تاریخ انگلیس، بر جا بگذارد و یک دوران طلایی، ایجاد کند. از طرفی دیگر، فرانسویس بیکن، توانسته بود با اندیشه‌های تجربه‌گرایانه‌اش، فضایی تازه برای اندیشیدن در جامعه انگلیسی به وجود آورد و شکسپیر جوان، توانست از این فضا، بهره‌بردار و نمایشنامه‌هایی به جا بگذارد که هنوزهنوز، در سراسر دنیا پس از چند قرن، همچنان مورد توجه قرار می‌گیرد.

فصل سوم سریال زخم کاری ساخته محمدحسین مهدویان، در تداوم آقباس از آثار شکسپیر، این بار سراغ دو نمایشنامه دیگر این نویسنده رفته است و با برداشتی آزاد از «لیرشاه» و «ریچارد سوم»، فصل «انتقام» را پیش روی مخاطبان گذشته است. در اثر مهدویان، آن «بیا و زین» که دوره شکسپیر انتظارتش را داشت، دیده نمی‌شود. شاعرانگی در کار نیست. «تجسم بخشیدن به ارزش‌های اجتماعی» هم در این سریال، قابل رؤیت نیست. اما روح حاکم در آثار شکسپیر، در ساخته تازه مهدویان، کاملاً هویدا است. آدم‌ها در این اثر، به دنبال توطئه‌چینی برای همدیگر هستند. جعلی، شخصیت‌هایی دارند که در برابر هر کس، تقییری می‌کند. آنچه که در کار مهدویان قابل تحسین است، عریان بودن ذات و چهره واقعی شخصیت‌هاست؛ چیزی که شکسپیر نیز آن را رعایت می‌کرد و با تماشاگران و خوانندگانش، صادق بود. مهدویان، مخاطب را گول نمی‌زند. تصویرهای جعلی برایش ایجاد نمی‌کند تا به یکباره او را غافلگیر کند بلکه تلاش می‌کند با او، یکزنک باشد و هر آنچه که در پشت نقاب آدم‌هایش وجود دارد، برای مخاطب نمایان سازد. در واقع مخاطب زخم کاری (در هر سه فصل) ذاتی کل است و از همه ارتباطات و دروغ‌ها، نیرنگ‌ها، راستی‌ها و ناراستی‌های فضا، آگاهی دارد. این موضوع، علاوه بر اینکه اعتماد به نفس قابل قبول عوامل زخم کاری را نشان می‌دهد، گشودن فصل تازه‌ای در سریال‌سازی کشورمان است که در آن، مخاطب نامحرم نیست، ذهن مخاطب به بازی گرفته نمی‌شود و برای ایجاد جذابیت، به او دروغ گفته نمی‌شود. مثلاً مقایسه کنید سریال زخم کاری را با سریال افی تهران ساخته سامان مقدم. کار مقدم تا آخرین قسمت، با مخاطب ناصادق عمل می‌کند تا او را به اصطلاح میخکوب کند و با شوکی که به او وارد می‌کند، مثلاً جذابیت رمانتیک به وجود آورد. در سریال جنگل آسفالت هم، چنین نقیصه و ایراد مهمی وجود دارد. نتیجه ناصادق بودن سازنده سریال با مخاطب، این می‌شود که مردم دیگر سراغ آن سریال نخواهند رفت. فصل سوم «زخم کاری» که عنوان «انتقام» را بر خود دارد، تلاش می‌کند جامعه‌های را نشان دهد که برزده آن، بازندگنی هستند که در سوی دروغ، نیرنگ و نامردی نمی‌ایستند. بلکه سمت‌شان، سمی‌درستی و صداقت است. بازندگان این هم، برندگان هستند که همه بردهایشان را به یکجا خواهند باخت و تاوان ظلم‌هایشان را خواهند داد. «زخم کاری» در واقع، نور امید به کسانی است که می‌توانند جهانی فکر کنند و ایرانی بسازند و فرصت این را دارند که جهان، آنها ببینند.

همایون تاکشان

روزنامه‌نگار



آنچه که در کار مهدویان قابل تحسین است، عریان بودن ذات و چهره واقعی شخصیت‌هاست؛ چیزی که شکسپیر نیز آن را رعایت می‌کرد و با تماشاگران و خوانندگانش، صادق بود. مهدویان، مخاطب را گول نمی‌زند. تصویرهای جعلی برایش ایجاد نمی‌کند تا به یکباره او را غافلگیر کند بلکه تلاش می‌کند با او، یکزنک باشد و هر آنچه که در پشت نقاب آدم‌هایش وجود دارد، برای مخاطب نمایان سازد. در واقع مخاطب زخم کاری (در هر سه فصل) ذاتی کل است و از همه ارتباطات و دروغ‌ها، نیرنگ‌ها، راستی‌ها و ناراستی‌های فضا، آگاهی دارد. این موضوع، علاوه بر اینکه اعتماد به نفس قابل قبول عوامل زخم کاری را نشان می‌دهد، گشودن فصل تازه‌ای در سریال‌سازی کشورمان است که در آن، مخاطب نامحرم نیست، ذهن مخاطب به بازی گرفته نمی‌شود و برای ایجاد جذابیت، به او دروغ گفته نمی‌شود. مثلاً مقایسه کنید سریال زخم کاری را با سریال افی تهران ساخته سامان مقدم. کار مقدم تا آخرین قسمت، با مخاطب ناصادق عمل می‌کند تا او را به اصطلاح میخکوب کند و با شوکی که به او وارد می‌کند، مثلاً جذابیت رمانتیک به وجود آورد. در سریال جنگل آسفالت هم، چنین نقیصه و ایراد مهمی وجود دارد. نتیجه ناصادق بودن سازنده سریال با مخاطب، این می‌شود که مردم دیگر سراغ آن سریال نخواهند رفت. فصل سوم «زخم کاری» که عنوان «انتقام» را بر خود دارد، تلاش می‌کند جامعه‌های را نشان دهد که برزده آن، بازندگنی هستند که در سوی دروغ، نیرنگ و نامردی نمی‌ایستند. بلکه سمت‌شان، سمی‌درستی و صداقت است. بازندگان این هم، برندگان هستند که همه بردهایشان را به یکجا خواهند باخت و تاوان ظلم‌هایشان را خواهند داد. «زخم کاری» در واقع، نور امید به کسانی است که می‌توانند جهانی فکر کنند و ایرانی بسازند و فرصت این را دارند که جهان، آنها ببینند.

عکس نوشت



شاه‌حسین گویان نوعی مراسم مذهبی است که در ایام عزادری بیشتر نقاط آذربایجان و به‌طور گسترده در تبریز برگزار می‌شود. در زبان ترکی آذربایجانی، مردم به این مراسم «شاخسبی» می‌گویند که کوتاه شده واژه «شاه‌حسین» است. همزمان با آغاز ماه محرم، این آیین در حسینیه مکتب تشیع واقع در خیابان بهشت تهران در حال برگزاری است.

عکس: احمد بلایی افراس